شما در کتابخانه چه می کنید؟

"شما در کتابخانه چه می کنید؟"

این سوالی است که از ترم اول دانشجوی کتابداری شدن، به شکل های مختلف از ما می پرسیدند! شما چه می خوانید؟ بعد در این درسی که می خوانید چه یاد می گیرید؟ بعد این که یاد می گیرید به چه درد می خورد؟ بعد این به این دردی که می خورد، از بین رفتن آن درد به چه درد می خورد؟ بعد محل کار شما فقط کتابخانه است؟ بعد در کتابخانه شما چه می کنید؟ این سوال ها را افراد خانواده، افراد جامعه، دانشجوهای ترم پایینی، دانشجوهای رشته های دیگر، همکارهای محل کار و حتی کاربرهای کتابخانه از ما می پرسند! و ما نمی دانیم این مشکل همه ی رشته هاست یا فقط کارهای ما برای دیگران جای سوال دارد؟ بعد از یک سال که از اولین قرارداد رسمی "کتابدار کتابخانه آموزشگاهی" شدنم می گذرد، فکر می کنم می توانم تا حدی پاسخ:شما در کتابخانه چه می کنید؟را بدهم.

ما دو نفریم در کتابخانه. دو کتابدار (کارشناس و کارشناس ارشد کتابداری) و یک نفر هم مسئول کتابخانه است که امور کتابخانه زیر نظر ایشان می گذرد. دو روز ابتدای هفته همکار جان در کتابخانه هستند و دو روز بعد بنده و روز آخر هفته با هم هستیم. یاور همیشه مومنمان هم هست. دوست پر حوصله و با تجربه ای که ایده های فوق العاده در اختیارمان می گذارد و بسیار زحمت می کشد و همراه و رفیق ماست.

ما سال جدید تحصیلی را از اوایل شهریور آغاز می کنیم. جلسه می گذاریم و در آن برنامه می ریزیم که برای اول مهر چه برنامه ای داشته باشیم که هم دانش آموزان را خوش بیاید، هم خودمان را، هم کادر مدرسه و هم بودجه را. برنامه می ریزیم که برای کل سال تحصیلی چه برنامه های فرهنگی ای برای کتابخانه به صورت هفتگی داشته باشیم، برای نمایشگاه های کتابی که طی سال خواهیم داشت تصمیم می گیریم و باید یادمان بماند که برد کتابخانه یک نواخت و خسته کننده شده و خوب است که عوض بشود و تازه قفسه هم کم آورده ایم! و ای وای!! رف خوانی نکرده ایم هنوز!!

رف خوانی می کنیم. هم زمان با رف خوانی تقویم را می گذاریم پیش رویمان و مناسبت های مهم هر هفته را پیدا می کنیم و در ارتباط با همان یک شعر و فعالیت مرتبط در نظر می گیریم که بچه ها را با مناسبت های فرهنگی هم آشنا کنیم. در کتاب های مرجع می گردیم تا سوال های خوب پیدا کنیم برای پرسش مرجع و رف خوانی را هم چنان ادامه می دهیم. باید تا اول مهر نشده و بچه ها تمام وقتمان را نگرفته اند تکلیف کتاب های زبان فهرست نویسی نشده و سی دی ها را یکسره کنیم و بعد یادمان هم نرود که جلد خیلی از کتاب ها کهنه شده، باید عوض کنیم. داریم هنوز درباره چگونگی اجرای تور کتابخانه حرف می زنیم که چشممان می خورد به کتاب های کتابخانه کلاسی! کتابخانه کلاسی را کی راه اندازی کنیم راستی!!؟

اول مهر شاداب و پر نشاط می رسد. ما برای هر پایه حرف های مختلفی داریم! به هفتم ها از کتاب ها و دارایی هایمان می

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

گوییم. یاد می دهیم چگونه دنبال کتاب هایشان بگردند و یاد می دهیم مراحل امانت کتاب چیست. با هشتم ها درباره سال گذشته حرف می زنیم و سال جدید و از تازه های کتابمان می گوییم و از کتاب های خوب و کتاب های مناسب و کتاب هایی که می توانند بعد بخوانند و کتاب هایی که نمی توانند در بزرگسالی بخوانند. با نهم ها گپ می زنیم. از آنها نظر می خواهیم درباره بهبود روند کتابخانه، دربارهٔ این که چه کنیم که کتابخانه به محل دوست داشتنی تر و جذاب تری برای بچه ها بدل شود... پذیرایی ساده و فرم هایی که از قبل تهیه کردیم تنها اقلام فیزیکی است که بینمان رد و بدل می شود ولی اثری که حرف های آنها روی ما گذاشته، و شاید حرف های ما روی آنها، مدت طولانی تری باقی است.

هفته ی اول مهر تمام می شود و رف خوانی تمام می شود و محرم شروع می شود و محرم است و مسابقه ی کتاب خوانی

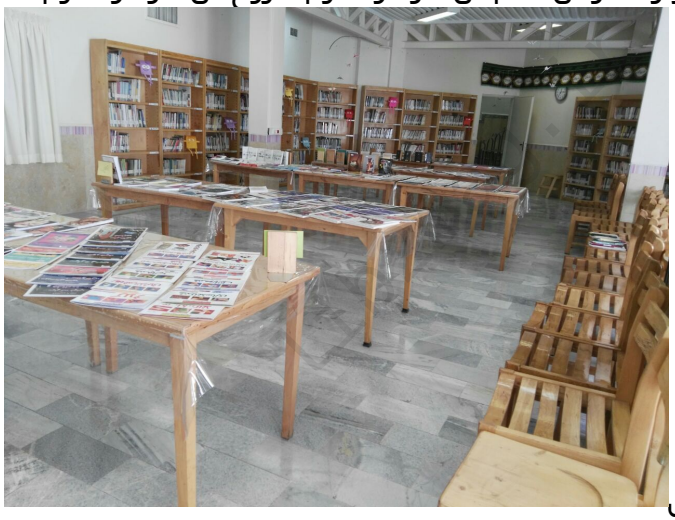

اش!! کتاب های بی نهایت خوبی که داریم که شاید بچه ها نشناسند و به سراغشان نیایند انتخاب می کنیم و طراحی سوال و شیوه ی اجرا و تبلیغات و اطلاع رسانی و چگونه کتاب را تهیه کنیم و چقدر استقبال می شود و به هر فرد باید جدا توضیح بدهی و سوال های بچه ها که تمامی ندارد تا روز آخر مسابقه! و خب! محرم نرفته هفته کتاب است و هفته کتاب است و فعالیت های کتابخانه و مگر می شود کتابخانه برای هفته کتاب سنگ تمام نگذارد؟ نمایشگاه کتاب مثل یک زن چاق که به زور خودش را در اتوبوس پری در نیمروز گرم تابستان می چپاند، سر و کله اش در کتابخانه پیدا می شود. ما این پیرزن چاق را می شناسیم و دوستش داریم. به فعالیت های فرهنگی می گوییم بلند شوند و جای خودشان را به او بدهند و ما می ایستیم تمام قد در اختیار او. قبل از این که بیاید مقدمات حضورش را چیده ایم. تازه های نشر را پیدا کرده ایم و با ناشران گفتگو کرده ایم و چانه های بسیار زده ایم و انتظار آمدن کتاب ها را کشیده ایم و فرم سفارش کتاب تهیه کرده ایم و حالا کتاب ها را می چینیم و آماده می شویم برای یک هفته سر پا ایستادن! (یادتان که نرفته؟ جایمان را داده ایم به پیرزن چاق!) باید به هر فرد جدا توضیح بدهیم که فرم را چگونه پر کند و چطور جمع بزند و پولش را چه زمانی بیاورد،و بعد باید خودمان دوباره کنترل کنیم که آیا همه چیز درست نوشته شده و درست حساب شده؟

پیرزن چاق مانند هر مادربزرگی دوست داشتنی است و در جیبش کلی اتفاق هیجان انگیز دارد. یکی از این اتفاق ها دعوت از نویسنده است. هزار گزینه داریم. به کی زنگ بزنیم؟ کی زنگ بزنیم؟ آیا وقت دارد؟ اگر وقت دارد می تواند با بچه ها طوری گفت و گو کند که راضی باشند؟ چقدر می گیرد؟ تیپش چطور است؟ کتاب بد که ندارد؟ کدام کتابش بهتر است؟ از این کتاب بهترش چه تعداد موجود است؟ اگر بچه ها از کتابش بخواهند از کجا بگیریم؟ چند تا؟ با چقدر تخفیف؟ چطور به دست بچه ها برسانیم؟ بچه ها این کتاب را دوست خواهند داشت؟ این کتاب که نکته بد ندارد؟ ادبیات کتاب چطور

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

است؟ داستانش چیست؟ از چه جنبه هایی قابل بررسی است؟...

پیرزن چاق مهربان می رود. نه به همین راحتی! ما سفارش ها را گرفته ایم و حالا باید ببینیم از هر کتاب چه تعداد سفارش داده اند تا تهیه کنیم و اینجا هم گاهی با واقعیت های تلخی مواجه می شویم مثل اینکه چاپ کتاب تمام شده! (چه کسی قرار است در چشم های منتظر دختر معصومی که منتظر کتابش است نگاه کند و این حقیقت را به او بگوید؟) و یا اینکه چند برگه سفارش بدون نام داریم!!

پیرزن رفته. کتاب های بچه ها را بسته بندی کرده ایم و در کمدهایشان گذاشته ایم. آبان تمام شده. کمی (به اندازه ۶ هفته) سرمان خلوت تر می شود. به کارهای روتین می پردازیم. فهرست نویسی کتاب و سی دی و نشریات و کتاب های زبان و این ها را می گویم. البته این کارها را قبل از آن هم می کردیم. به ازای هر یک ساعت ۱۵ دقیقه یا بیشتر پشت میز امانت بودن و امانت کتاب و جست و جو و مشاوره کتاب را هم می گویم . آن هم که وظیفه ی هر روزی ماست. خواندن کتاب های خوانده نشده؟ بله! معرفی و گذاشتن کتاب در راهرو به عناوین مختلف "پنجره" و "نردبان" و هماهنگ بودن با معلم های انشا و ادبیات برای معرفی کتاب های بهتر به دانش آموزان و معرفی کتاب به دبیران از طرق مختلف و آن دوست و یاور همیشگی: "جلد کردن کتاب ها و تعویض جلد کتاب های کهنه" هم هستند! البته این ها که همیشگی اند و کار محسوب نمی شوند!! کارهای روتین دیگر مثل فایل کردن مو به موی کتاب ها که در ترم اول جا به جا شده اند و چک کردن چند باره ی کتاب های مفقودی سال های گذشته و همکاری کردن در جشن ها و برنامه های مختلفی که در سطح مدرسه انجام می شود هم هست. تزئین کتابخانه با استفاده از حداقل امکانات (با کاغذ و اوریگامی و نخ و مروارید و چوب خشک!!) هم کاری است که از دست ما بر می آید!...

و بهمن پیرزنی به مراتب چاق تر از آن پیرزن آبانی به سراغمان می آید. پیرزنی که تا شب عید بساطش را جمع نمی کند و ما دائم در اختیار اوییم. حالا بماند که تا برود، باز یادمان می افتد که ای بابا! مگر نوروز نیست؟ برای نوروز هیچ نکرده ایم و باید هفت سین کتاب داشته باشیم و ...

دیروز دوستی، دوست خوب باشعور فهمیده ی بسیار دوست داشتنی لطیفی که سال گذشته دانش آموز مدرسه بود و طلای اول المپیاد ادبیات را گرفت و حالا هر از گاهی می آید و در کتابخانه می نشیند و ما را از حضور گرم و روشن خودش مستفیض می کند، از من پرسید که: آیا از انجام کارتان لذت می برید؟ احساس خوشبختی می کنید؟

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

کمی به فکر فرو رفتم! هزار هزار کار می کنیم و باز هم هرکسی می رسد، آشکارا یا نهان از ما می پرسد شما در کتابخانه چه می کنید؟ از ما می پرسند فقط می نشینید کتاب می خوانید؟ و نمی داند که از وقتی پا به کتابخانه گذاشته ام حسرت خواندن بعضی کتاب ها به دلم مانده... فکر کردم که احساس خوشبختی می کنم به خاطر همه کارهایی که می کنیم و نه کاربرها می بینند و نه همکارها؟ فکر کردم می شود احساس خوشبختی کرد؟ به رسالتمان فکر کردم، به رسالت کتابدارها که یکی از آنها ایجاد عادت به مطالعه است... گفتم بله. احساس خوشبختی می کنم.

"خانوم! ما به خاطر شما میایم کتابخونه!" و "خانوم! ما این کتاب رو چون شما گفتید خوندیم!" و "خانوم! کتابی که معرفی کردید خیلی خوب بود، می شه بازهم کتاب معرفی کنید؟"

احساس خوشبختی می کنم با شنیدن این جمله ها که هر بار به زبان شنیدنشان برای یک عمر احساس رضایت و خوشبختی، کفایت می کند...

نویسنده: معصومه سعادت

مشخصات استناددهی به این مقاله

نویسنده(ها):	معصومه سعادت
عنوان مقاله:	شما در کتابخانه چه می کنید؟
عنوان مجله:	کتابدار ۲.۰ –(عنوان لاتین: i-Kitابdار 2.0)
دوره مجله(Vol):	۲
شماره مجله(Issue):	۵
سال(Year):	۱۳۹۵
شناسه دیجیتال(DOI):	
لینک کوتاه:	http://lib2mag.ir/6914

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.